



اسلام سیزدهم دی ۱۴۰۲ مصادف با سالگرد میلاد یابوی دو عالم و سرور رزآن اهل بهشت حضرت فاطمه زهرا(س) است.از سوی دیگر سیزدهم دی سالگرد شهادت سردار بزرگ و پرافتخار اسلام حاج قاسم سلیمانی است.به دلیل این تقارن یادی می‌نمایم از جنبه‌های فاطمی سیرت و به ویژه عملکرد شهید قاسم سلیمانی و همچنین ادای احترام به نماییم به فرزند حضرت زهرا(س) و شهید عزیز سید رضی موسوی که اخیراً و در آستانه شهادت سردار دل‌ها و جان‌ها شریف شهادت نوشید و به آرزویش که شهادت در آستانه سالگرد حاج قاسم بود. رسید.

شهید حضرت زهرایی و سردار زهرایی

حاج قاسم سلیمانی اعتقاد و ارادت راسخ و راستین و مخصوصی به زهرای (اطهر) (س) داشت. مهم‌ترین توسلات حاج قاسم، توسل به حضرت فاطمه زهرا(س) بود.

علامه مصباح یزدی خاطرنشان نموده است: من ندیدم کسی مانند حاج قاسم سلیمانی مقام حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) را شناخته باشد و در هیچ حالی از توسل به آن بزرگوار غافل نشود.

توسل و ارادت سردار دل‌ها به یابوی دو عالم حضرت زهرای مرضیه در مراحل سخت جنگ تحمیلی و مبارزه با داعش زیاتر همه است.

حاج قاسم در وصیتنامه‌اش به خاطر در مسیر حضرت فاطمه زهرا(س) و فرزندان‌ش قرار گرفت، ششکرگزار و ویژه‌ای نمی‌داند.

«خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، بی‌شکلی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندان‌ش در مذهب تشکیک، عطر حرم مقدس اسلام، راز دادی و مرا از انکت بر فرزندان علی بن ابی‌طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌های است. نعمتی که در آن توگس است، ممنونیت بی‌قراری که در دوزخ خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و ممنونیت داد.»

فاطمه سلیمانی ارادت ویژه‌ای به حضرت زهرا(س) داشتند و می‌گفتند ما حضرت فاطمه(س) اعجاز می‌کند.



عنوان نخستین شهید راه ولایت شناخته می‌شوند.

حاج قاسم پیرو مخلص و راستین حضرت فاطمه زهرا در ولایت‌مداری و خدمت و فداکاری در راه اسلام و نظام اسلامی بود.

حاج قاسم سلیمانی نیز سرباز ولایت، مطیع محض ولایت و یکی از بزرگ‌ترین شهیدای راه تحقق منویات ولایت محض است.

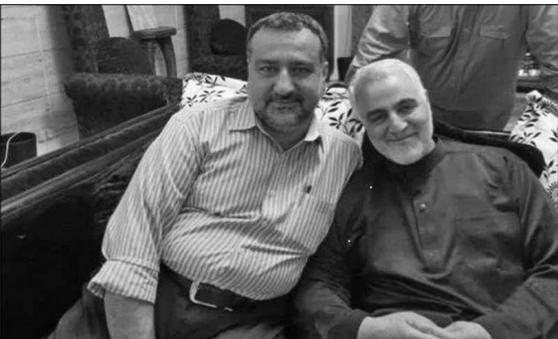
ولایت‌مداری، ولایت‌پذیری و اطاعت محض و همه‌جانبه و مویبمو از رهبری از جمله ویژگی‌های شاخص و بارز سردار سلیمانی بود.

سردار شهید شهید شهید در یکی از سخنرانی‌های خود که در یادواره شهیدای مدافع حرم ایراد می‌نمود، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مالک‌ها و شاخص‌های عاقبت به خیری را چنین برشمرد:

«برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ؛ یکی از شئون عاقبت به خیری نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این کیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهم‌ترین محور محاسبه این است.»

شهید حاج قاسم سلیمانی در وصیتنامه کم‌نظیرش آن است که به حق آیینۀ تمام‌نمای ولایت‌مداری و دعوت به پیروی از ولایت‌فقیه است. بارها و بارها با عظیم‌ترین تعابیر از ولی‌فقیه یاد نموده و این حقایق عظیم را خاطرنشان نموده است:

عظمت مقام و شخصیت و مظلومیت ولی‌فقیه، نجات‌بخش بودن ولایت فقیه، راه نکردن خیمه ولایت که همان خیمه رسول‌الله است، گردیدن دور ولایت ولی‌فقیه و همان ولایت علی بن ابی‌طالب و خیمه او همان خیمه حسین فاطمه است، جزو اصول بودن ولایت و فدائیت، جان خود دانستن ولی فقیه و حرمت او در مقدسات دانستن، اعتقاد عملی به ولایت فقیه، نشینن نصیحت او و عمل کردن با جان و دل به توصیه و تذکرات او



به فاصله کوتاهی بعد از شهادت حاج قاسم برای نخستین‌بار صحبت‌های سردار دربار کمک‌ها و صحبت‌های حضرت زهرا به رزمندگان دفاع مقدس منتشر و کلیپ آن به‌صورت گسترده در فضای مجازی پخش گردید.

شهید سلیمانی در این سخن‌ها می‌گوید: «ما هر وقت در سختی‌های جنگ فشارها بر ما حاد می‌شد، این وقتی که به صورت بسیار مقلطری هیچ کاری از منم بر نمی‌آمد،

پناهگاهی جز زهرا نداشتیم و ما هم پناهگامون زهرا بود.»
«ما صحبت‌ها از یاد حضرت زهرا و ذکر و نماز «یا زهرا» در میان رزمندگان و قدرت و محبت مادری حضرت زهرا در مصائب عظیم جنگ تحمیلی یاد نموده است و جمعیت حاضر نیز زار زاری می‌گردند. در کلیپ دیگری که از صحبت‌های حاج قاسم سلیمانی در موقیعت دیگری منتشر شده است، سردار دل‌ها می‌گوید: «همه حوادثی که بر سر حضرت زهرا آمده را در یک شب در عالم خواب دیدم. همه حوادث بر سر سیده زهرا آمده بود و همه چیز که من سیر میکن، دریب، آتش گرفتن و غیره، در عالم رؤیا دیدم.»

شهید سلیمانی در حضور در جلسه‌ای تحت عصمت و طهارت(ع) توجه زیادی داشت و از کودکی در این مسیر قرار داشت. حاج قاسم وقتی به تهران آمد، منزل مسکونی‌اش در کرمان را برای برگزاری مراسم اهل بیت وقف حضرت زهرا نمود و نام «بیت‌الزهر» را برای آن انتخاب نمود.

ولایت‌مداری و ولایت‌محوری اهل

حضرت زهرا به ولایت‌مداری معروف هستند و به



پس از شهادت سردار بزرگ و پرافتخار اسلام حاج قاسم سلیمانی، در سرتاسر محور مقاومت از سوریه و عراق گرفته تا فلسطین و لبنان و یمن مشت‌ها گره‌گرددتر و قدم‌ها استوارتر گردید و تحولات میدانی ضداستکباری و ضدتروریسم شتاب خارق‌العاده‌ای یافت و ضربات مهلک فراوانی به مواضع آمریکا و اسرائیل و سربسردگان‌شان وارد آمد.

محور مقاومت در حال حاضر در مقتدرترین وضعیت خود قرار دارد و این امر با رهبری امام‌خمنه‌ای و فرماندهی

ادای احترام به شهیدان فاطمی

شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سید رضی موسوی

پیروان مخلص و راستینِ حضرت زهرا(س)

کامران پور عباس

میدانی و خون حاج قاسم سلیمانی محقق گردیده است. محور مقاومت که تاکنون در موضع دفاعی بود و هرگاه مورد حمله واقع می‌شد، از خود دفاع می‌نمود و تا شکست دشمن به دفاع ادامه می‌داد، اخیراً در پدیده‌ای شگفت‌انگیز او فراز تهاجمی شنیده و حملات پیش‌دستانه در محور مقاومت آن هم مستقیم علیه آمریکا و اسرائیل کلید خورده است. ابتدا نیروهای مقاومت فلسطین از ۱۵ مهر برابر با ۷ اکتبر ۲۰۲۳ عملیات همه‌جانبه و ترکیبی و بی‌نظیری با نام «هولان‌الاقصی» را از غزه علیه رژیم اشغالگر و تروریست و کودک‌کش صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی آغاز نمودند که به زارهایی ویرانگر و شگشتی تاریخی و بی‌نظیر و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی «غیرقابل ترمیم» تبدیل گردید. متعاقب آن حزب‌الله لبنان حملات هوایی پیش‌دستانه و اصرار‌الله یمن حملات هوایی پیش‌دستانه و سپس حملات بی‌نظیر و بی‌پاکانه دربابی علیه رژیم اشغالگر قدس را که منجر به فلج شدت نجات‌دریایی صهیونیست‌ها و وارد آمدن ضربات بنیادین و ویرانگر به اقتصاد اسرائیل گردیده است، را آغاز نموده و بی‌وقفه ادامه دادند. در سوریه و عراق نیز مکرراً پایگاه‌های آمریکایی زیر آتش محور مقاومت قرار می‌گیرد.

با توجه به نقش پررنگ و ذکر و بی‌نظیر شهید قاسم سلیمانی در تقویت و تجهیز محور مقاومت در سرتاسر می‌توان این گونه تعبیر نمود که هر تیری که بر سر مستقیم آمریکا و اسرائیل در حال حاضر می‌رود، انگار سردار دل‌هاست که آن تیر را می‌اندازد و هنوزم که هنوز است می‌توان گفت که خیلی بیشتر از قبل: «خون تو همچنان حریف می‌طلبد، سردار دل‌ها!»

به گفته سیدمجتبی اطّحی سخنگوی ستاد چهارمین

سالگرد گرامیداشت شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی؛ گروه شاهد تجلّی شهید سلیمانی در جای‌جای منطقه و جبهه مقاومت تشکیل شده و دشمنان بزدل ما در پایگاه‌های آمریکایی، هر روز صدای حاج قاسم را می‌شنوند.

شهادت‌فدس

اسسال، شعار مراسم سالگرد شهید سلیمانی «شهیدالقدس» نامگذاری شده است. این اقدام به

نماینده‌ای از ملت قهرمان فلسطین و همچنین مطابق سخنان امامعلین علیه در مراسم شش‌تایی این شهید بزرگوار که ایشان را شهیدالقدس نامیدند، انجام شده است.

سردار دل‌ها و جان‌ها نقش بسیار مهم و ممتازی در تجهیز و تسلیح نیروهای مقاومت در فلسطین نیز داشته است.

آن‌شالله با عنایات الهی و به برکت خون شهید قاسم سلیمانی و سایر شهیدای فقیه، پیروزی ملت فلسطین و محو غده سرطانی رژیم صهیونیستی هرچه زودتر اتفاق خواهد افتاد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها و بارها و به ویژه بعد از شروع طوفان‌الاقصی، وعده پیروزی ملت فلسطین را فرموده‌اند، چندبزرگین بشارت رهبر انقلاب‌باشینی بر پیروزی ملت فلسطین چنین است: «همه ما قاسم سلیمانی هستیم.» «شهید سلیمانی خطرناک‌تر از سردار سلیمانی است.» «خون تو حریف می‌طلبد» و…

کنم که آقا هادی اون دو ویژگی را دارا بود. علاوه بر این شخصیت مردانه‌ای داشت و معلوم بود اهل زندگی است.

از طرفی غشغلش را هم خیلی دوست داشتم

چون حس می‌کردم در این لباس خیلی خوب می‌شود به مردم خدمت کرد. آقا هادی در همان جلسه اول کمی از شرایط کاری‌اش حرف زد. بعد این شغل سخنی‌های خودش را داشت ولی پای علاقه که در می‌ماند شنیدم سختی‌ها به چشم نمی‌آید. من شهریور سال ۸۲ مصادف با سیزدهم رجب مراسم عقیق در منزل خودمان برگزار کردم. خرداد سال ۸۴ هم با برگزاری یک مراسم ساده و در عین حال شیک و آبرومند سر زندگی‌مان رفتم و زندگی مشترک‌مان را شروع کردم.

شوق زندگی
آقا‌هادی در کنار روحیه جدی خود در کار، بسیار خوش‌اخلاق و شوخ‌طبع بود و شوق زندگی داشت. از اینکه می‌دید زندگی‌مان روز

به روز رشد می‌کنند لذت می‌برد. دوست داشت کشور برگشت زمانی که آقا هادی تقریباً ۱۵ ساله بود. به نقل از مادرشان همه بازگشت پیکر خود را نقطه تحول آقا هادی می‌دانند. در فیلم‌ها به یادگار مانده از آن روز، آقا هادی کنار منتر نشسته و وقتی روحانی مسجد بعد از تسبیح پیکر، روضه می‌خواند، آقا هادی به شدت متقلب شده و در فرقی برادرش اشک می‌ریزد.

شروع آشنایی

هادی اهل هیبت بود و از همان دوران نوجوانی به هیبت حسینیته شهیدای شاداباد می‌رفت. برادر

من هم از اهالی همان هیبت بود و من هم از بچگی همراه خانواده در ایام محرم و برخی از مناسبت‌ها در مراسم همین هیبت شرکت می‌کردیم، البته به‌دلیل راز نمی‌شناختم. آشنایی من از آقا هادی به واسطه ازدواج خواهرم با برادر او شکل گرفت. تقریباً چهار، پنج سال از ازدواج آن‌ها می‌گذشت که ما به منزل خانواده‌شوهرم در اهر رفتیم. در همان جا هادی مرا سیده بود و نهایتاً بعد از تابستان ۸۲ همراه خانواده برای خواستگاری به منزل ما آمدند.

در آن زمان بر اساس مالک‌هایی که در ذهن داشتیم، علاقه‌مند بودم که یک جوان مؤمن و انقلابی را به‌عنوان شریک زندگی آینده‌ام انتخاب



سید حسن نصرالله / سردار ابراهیم محمدزاده / دکتر رمضان عبدالله / شیخ ابراهیم زکرائی / شهید عادل عقیقه / شهید سیدممدبنابر حکیم / شهید محسن ججعی / شهید حبیب شیرازی / شهید محسن انقريزاده / شهید حسین همدانی / شهید حسن طبرانی ملقم / شهید حسن شامری / شهید ابوداود ائبلی / شهید مصطفی چمران / شهید ابومهدی المهندس / شهید قاسم سلیمانی



وی از پیش‌قدم بودن شهید موسوی در کارهای خیر نسبت به همه مردم خصوصاً مظلومان جنگ‌زده سوری می‌گوید: دستش خیلی به کار خیر بود. از آنجایی که بیشتر در سوریه بود، به فکر کمک به مردم سوریه هم بود. از ارتباطاتی که داشت برای رسیدگی به خانواده شهیدای سوری و شیعیان جنگ‌زده استفاده می‌کرد. برایشان خانه مهیا کرده و برای دختران دبخت چیزیه تأمین می‌کرد. برای افراد مقیم سوریه و رفق مشکلات آنان تلاش زیادی کرد.

کارهای خیر سید رضی فقط برای مردم شیعه سوریه نبود بلکه هر جا دست نیازی بلند بود، شهید موسوی برای گرفتن آن پیش‌قدم می‌شد. صالحی در این‌باره می‌گوید: جهت ترو آرایش بیشتر و جدی‌تر شد. پیش‌تر چندین‌بار مفری که در آن فعالیت داشت از زده بودند اما موفق به تروش نشده بودند. یکی از ترورهاها ناموفق ایشان در ماجرای شهادت سید مصطفی بدرالدین مشهور به دولفقار از فرماندهان حزب‌الله لبنان بود که در دفتر سید رضی اتفاق افتاده بود. بدرالدین در این ماجرا به شهادت رسید اما سید رضی آنجا نبود و در امان ماند.

یکی از فرماندهان اثرگذار سید در مقاومت منطقه
ما سید رضی می‌شناسیم. او در آن زمان به بعد ظن و گمان‌ها برای برنامه دقیق اسرائیل در ترو آرایش بیشتر و جدی‌تر شد. پیش‌تر چندین‌بار مفری که در آن فعالیت داشت از زده بودند اما موفق به تروش نشده بودند. یکی از ترورهاها ناموفق ایشان در ماجرای شهادت سید مصطفی بدرالدین مشهور به دولفقار از فرماندهان حزب‌الله لبنان بود که در دفتر سید رضی اتفاق افتاده بود. بدرالدین در این ماجرا به شهادت رسید اما سید رضی آنجا نبود و در امان ماند.

یکی از فرماندهان اثرگذار سید در مقاومت منطقه
ما سید رضی می‌شناسیم. او در آن زمان به بعد ظن و گمان‌ها برای برنامه دقیق اسرائیل در ترو آرایش بیشتر و جدی‌تر شد. پیش‌تر چندین‌بار مفری که در آن فعالیت داشت از زده بودند اما موفق به تروش نشده بودند. یکی از ترورهاها ناموفق ایشان در ماجرای شهادت سید مصطفی بدرالدین مشهور به دولفقار از فرماندهان حزب‌الله لبنان بود که در دفتر سید رضی اتفاق افتاده بود. بدرالدین در این ماجرا به شهادت رسید اما سید رضی آنجا نبود و در امان ماند.

شهادت‌طلبی و حضور در خطر ناگترین عرصه‌ها
هر روز سید رضی کارهای مختلف و زیادی در سوریه داشت. به نقش اثرگذار سید رضی در مجاری تعویض ضریح حضرت رفیق(س) و بازسازی آن اشاره می‌کنیم. او می‌گوید: در موضوع ساخت ضریح جدید حضرت رفیق(س) و انتقال ضریح جدید از ایران به سوریه تأثیر بسزایی داشت. انتقال ضریح جدید مدتی به تأخیر افتاده بود به دلیل اینکه جبهه‌های انتقال قطعات ضریح بسیار بزرگ بود. اسرائیل هم در آن ایام چندین مرتبه فورودگاه دمشق را زده بود و تهدید کرده بود هواییماهای باری را می‌زند. ولی سید رضی با قدرت در این مسئله جلو آمد و با دیرایت و انتقال قطعات ضریح جدید از ایران به سوریه محقق شد و به بازسازی حرم حضرت رفیق(س)، بار یکمین و امین حاج قاسم

هر روز شهید از رابطه نزدیک او با حاج قاسم می‌گوید و ادامه می‌دهد: سید رضی دوست، بار دیرین و امین حاج قاسم بود. هیچ‌کس غیر از سلیمانی از ساعت شوخ‌اومد حاج قاسم خبر نداشت. بعد از شهادت حاج قاسم او انتظار شهادت را می‌کشید. از دوران دفاع مقدس با حاج قاسم رفیق بود و این دوستی تا شهادت ادامه داشت. خودش تعریف کرده بود که حاج قاسم به او گفته بود دیگر وقت شهید شدنت است.

شهادت‌طلبی و حضور در خطر ناگترین عرصه‌ها
هر روز سید رضی کارهای مختلف و زیادی در سوریه داشت. به نقش اثرگذار سید رضی در مجاری تعویض ضریح حضرت رفیق(س) و بازسازی آن اشاره می‌کنیم. او می‌گوید: در موضوع ساخت ضریح جدید حضرت رفیق(س) و انتقال ضریح جدید از ایران به سوریه تأثیر بسزایی داشت. انتقال ضریح جدید مدتی به تأخیر افتاده بود به دلیل اینکه جبهه‌های انتقال قطعات ضریح بسیار بزرگ بود. اسرائیل هم در آن ایام چندین مرتبه فورودگاه دمشق را زده بود و تهدید کرده بود هواییماهای باری را می‌زند. ولی سید رضی با قدرت در این مسئله جلو آمد و با دیرایت و انتقال قطعات ضریح جدید از ایران به سوریه محقق شد و به بازسازی حرم حضرت رفیق(س)، بار یکمین و امین حاج قاسم

شهادت‌طلبی و حضور در خطر ناگترین عرصه‌ها
هر روز سید رضی کارهای مختلف و زیادی در سوریه داشت. به نقش اثرگذار سید رضی در مجاری تعویض ضریح حضرت رفیق(س) و بازسازی آن اشاره می‌کنیم. او می‌گوید: در موضوع ساخت ضریح جدید حضرت رفیق(س) و انتقال ضریح جدید از ایران به سوریه تأثیر بسزایی داشت. انتقال ضریح جدید مدتی به تأخیر افتاده بود به دلیل اینکه جبهه‌های انتقال قطعات ضریح بسیار بزرگ بود. اسرائیل هم در آن ایام چندین مرتبه فورودگاه دمشق را زده بود و تهدید کرده بود هواییماهای باری را می‌زند. ولی سید رضی با قدرت در این مسئله جلو آمد و با دیرایت و انتقال قطعات ضریح جدید از ایران به سوریه محقق شد و به بازسازی حرم حضرت رفیق(س)، بار یکمین و امین حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم



دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم



با جبهه حق است. تردیدی نداشته باشید که رژیم غاصب صهیونیستی یک روز از روی زمین ریشه‌کن خواهد شد و این آن‌شالله جزو آینده‌های حتمی است؛ بعون الله و قوته و بذائن الله و عزته این کار خواهد شد و امیدواریم آن‌شالله شما جوان‌ها آن روز را به چشم خودتان ببینید.»۱۴۰۲/۲/۱۰

شهادت حاج قاسم

دی ۱۴۰۲، در حمله موسشکی جانیاتکرانه رژیم جعلی و تروریست و کودک‌کش صهیونیستی به زینبیه

ادای احترام به شهیدان فاطمی

شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سید رضی موسوی

پیروان مخلص و راستینِ حضرت زهرا(س)

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم

دکتر داشتیم. دلم می‌خواست هادی در کنارم باشد. به او می‌گفتم اگر ممکن هست در کنارم بمان قوی و صبور بود. از لحاظ جسمی هم توان بالایی داشت، شاید یکی از دلالی‌که برای حفاظت انتخاب شد همین ویژگی بود. یکی از مهرزماش من تعریف می‌کند در یک مأموریتش قرار بوده که جلسه حاج قاسم را پوشش دهند. آن زمان هنوز آقا هادی وارد تیم سردار نشده بود و در بخش آموزش مشغول فعالیت بود. به یک کنارت‌ها احتیاج داشتیم که بالای ساختمانی نزدیک محل جلسه حاج قاسم